

ارزیابی اثرات حکمروایی کلانشهری و سیاست گذاری عمومی در مناطق کلانشهری نمونه موردی کلانشهر اهواز

محمد رضا اسکندری

پژوهشگر دکتری گروه شهرسازی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

نوید سعیدی رضوانی^۱

استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

عبدالرضا نواح

دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۷

چکیده

سیاست گذاری عمومی به مثابه مجموعه فعالیت‌های نهادی که تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی شهروندان دارد، و از تصمیم‌ها و سیاست‌هایی که بوسیله مراجع مختلف بخش عمومی در ارتباط با موضوع شهر و سکونت گاه‌های انسانی از قبیل مجلس، دولت و قوه قضائیه که نماینده حفظ منافع عمومی جامعه می‌باشند، اتخاذ می‌شود. فرایند سیاست گذاری بر مبنای فرایند از بالا به پایین می‌باشد. با تلفیق حکمروایی و سیاست گذاری عمومی شاهد مشارکت پذیری بالا، تشخیص آسان و سریع مشکلات شهری و جایگزین‌های سریع در فرایندها را شاهد هستیم. با روند مشارکت پذیری و حکمروایی مشارکتی شاهد تحقق سیاست گذاری عمومی در جامعه خواهیم بود. بنابراین هدف این پژوهش ارائه مؤلفه‌های حکمروایی شایسته شهری در فضای کلانشهری اهواز می‌باشد. این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، توصیفی و پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کارشناسان و خبرگان مدیریت شهری، در شهر اهواز می‌باشد. ابزار مورد استفاده در تحقیق پرسشنامه بوده و به تعداد ۵۰ نفر به صورت تصادفی انجام یافته است. نتایج بیانگر آن است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری بین مؤلفه‌های مورد مطالعه وجود دارد. متغیرهای همپایانی، اثر بخشی و کارآمدی، مشارکت پذیری و ظرفیت و ترتیبات نهادی در مقایسه با سایر متغیرها در حکمروایی منطقه کلانشهری اهواز نقش مؤثری را ایفا می‌کنند.

کلمات کلیدی: حکمروایی، سیاست گذاری عمومی، کلانشهر، اهواز.

مقدمه

مسائلی همچون رشد روز افزون جمعیت شهری، شهری شدن جوامع جهانی شدن و ضرورت پاسخگویی و شهروندمداری (Dunn, 2015)، مدیران و تصمیم‌گیران را به سوی بهره‌گیری از روش‌های مطلوب در زمینه مدیریت شهری سوق داده است (Dye & DiNitto, 1983)؛ سیاست‌گذاری عمومی به مثابه مجموعه فعالیت‌های نهادی که تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی شهروندان دارد (John, 2013)، در ارتباط مستقیم و مستحکمی با مفهوم حکمروایی شهری قرار دارد (Baldwin, Forslid, Martin, Ottaviano, & Robert-Nicoud, 2011). بر این اساس سیاست‌گذاری عمومی عبارت است از تصمیم‌ها و سیاست‌هایی که بوسیله مراجع مختلف بخش عمومی در ارتباط با موضوع شهر و سکونت‌گاه‌های انسانی از قبیل مجلس، دولت و قوه قضائیه که نماینده حفظ منافع عمومی جامعه می‌باشند، اتخاذ می‌شود. دولت در مفهوم کلی، یک نهاد قانونی خط‌مشی‌گذاری عمومی است و بصورت‌های مختلف مانند قوانین، ضابطه‌ها و مقررات به تعیین سیاست‌گذاری می‌پردازد (Hill & Varone, 2014). براساس این بعد جدید، مدیران باید علاوه بر مهارت و آگاهی در زمینه‌های فنی، انسانی و اداره امور سازمانی، در زمینه مسائل اجتماعی و خط‌مشی‌های عمومی به دانش و تجربه نیز مجهز باشند (Howlett, Ramesh, & Perl, 2009). همان‌گونه که اشاره شد، یکی از روش‌های مطرح در این زمینه حکمروایی خوب شهری است (یزدانی زازرانی، ۱۳۹۱) (چاره جو و همکاران، ۱۳۹۹).

در پژوهش حاضر با چارچوب بندی محتوایی سیاست‌گذاری عمومی مبتنی بر حکمروایی شهری رابطه علی و معلولی مدیریت شهری یکپارچه و نهادگرایی به عنوان ابزار محرکه سیاست‌گذاری عمومی تبیین محتوا می‌گردد. در این راستا محتوای عملیاتی پژوهش گونه‌های معینی از کلانشهر اهواز با توجه به مشکلات عدیده سطوح توسعه یافتگی مدیریتی و نهادی مدیریت توسعه شهری مورد نظر و تمرکز واقع می‌گردد.

این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، توصیفی و پیمایشی است. روش گردآوری داده از روش کتابخانه‌ای - اسنادی برای مطالعات نظری و سیر بررسی موضوعی استفاده می‌شود. ابزارهای گردآوری اطلاعات در روش‌های کتابخانه‌ای فیش برداری و جداول کامپیوتری برای بهره‌برداری مطالب و اسناد در روش‌های پیمایشی از روش‌های مشاهده خبر پرسشنامه یا مصاحبه برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز استفاده می‌شود. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق: کلانشهر اهواز شامل نخبگان و مدیران حوزه شهری و برنامه‌ریزی شهری می‌باشند. روش نمونه‌گیری طبقه بندی ساده می‌باشد و به‌منظور تعیین حجم نمونه از جدول تعیین حجم نمونه مورگان استفاده شده است. بر این اساس، تعداد ۵۰ نفر نمونه تعیین شده است. طیف پاسخگویی به صورت لیکرت در ۴ درجه خیلی کم (امتیاز ۱) تا خیلی زیاد (امتیاز ۴) تعیین گردیده است.

مبانی نظری

هدف مدیریت شهری کارکردن برای دستیابی به توسعه پایدار شهری است و طیف وسیعی از بخش‌ها شامل ابعاد فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و نهادی را در نظر می‌گیرد، شگفت‌آور نیست که مدیریت شهری را

یک مفهوم پیچیده فرض کنیم. در مجموع، اهمیت یک درک جامع از مدیریت شهری در ادبیات نوین پژوهشی مورد توجه قرار گرفته است (Khaliji, Sarvar, & Zarabadi, 2018).

حکمروایی شهری خوب هنگامی میسر است که دولت محلی شهری - یا همان شهرداری - توانایی همکاری و شراکت با بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی را برای اداره امور محلی داشته باشد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۹). پدیده جهانی شدن و گسترش شیوه مردم سالاری تضعیف، ساختارهای متمرکز و تک ساختی را در پی داشته و مدیریت در شرایط متغییر و پیچیده را جز در قالب الگوهای مشارکت جو در سطوح ملی و محلی ناممکن ساخته است. البته در این میان، آن چه پذیرفته شده نقش دولت محلی در سیاست گذاری و رهبری جریان توسعه شهری است (محلی، ۱۳۹۱). چهار دیدگاه کلاسیک درباره نقش دولت محلی وجود دارد:

۱. دولت محلی به منزله تأمین کننده رفاه

۲. دولت محلی به منزله برنامه ریز و تنظیم کننده اقتصاد محلی

۳. دولت محلی به منزله واسطه در شکل گیری اقتصاد محلی

۴. دولت محلی به منزله عامل اعمال زور برای نظم و مقررات اجتماعی (مجید، ۱۳۸۳).

این دیدگاه‌ها به رابطه یک طرفه میان دولت محلی و شهروندان توجه دارند و عمده تأکید آنها بر خصوصیات دولت محلی است؛ در حالی که دیدگاه حکمروایی شهری به کنش متقابل میان سه بازیگر اصلی عرصه شهر یعنی دولت محلی، بخش خصوصی و جامعه مدنی توجه دارد. تصمیمات مدیریت شهری مانند انتخابات، رقابت‌ها، خط مشی‌ها و توزیع منابع و خدمات تأثیر دارد. از این رو هر چه جریان حکمروایی شهری بر پایه دولت محلی توانمند و تعامل پذیر اتفاق افتد، اثر مثبت آن بر توسعه محلی بیشتر خواهد بود. دولت محلی نقطه کانونی پیشبرد برنامه‌های توسعه شهری پایدار است (عزیزی، ابویی اردکان، و نوری، ۱۳۹۰). مباحث حکمروایی و توسعه پایدار شهری از موضوعات نو و جدید برنامه ریزی شهری است که سعی دارد از طریق حکمروایی خوب شهری به توسعه پایدار شهری دست یابد (مشکینی و موذن، ۱۳۹۴).

استفاده از «حکمروایی خوب» یا «حکمرانی خوب» بدین دلیل است که منظور از Governance رابطه میان مردم و حکومت کنندگان و یا سهامداران و مدیران و به طور کلی هر وکیل و موکلی است (خسروی، ۱۳۹۹). عده ای بر این باورند که حکمروایی واژه ای است که همراه با جهانی شدن مطرح شده است و ارتباط جهانی شدن با حکمروایی را در دو قسم می دانند: نخست، حاکمیت فزاینده سازمانهای غیردولتی (اعم از مؤسسات چندجانبه و یا غیردولتی و یا شرکت‌ها و سازمانها) و دوم، حکمروایی حسن تعبیری برای اعمال قدرت بخش خصوصی (اعمال از طریق بازار) (Peine et al., 2005: 19). عده ای نیز حکمروایی و توسعه پایدار را دو اصطلاح کلیدی در مباحث سیاسی می دانند زیرا این اصطلاحات برتری خاصی را به عنوان تفکر نوین علمی پست مدرن در به چالش کشاندن

فلسفه مدرنیته دارند و مضرات مدرنیته نظیر تولیدات ژنتیکی و نظارت این علوم بر تولیدات کشاورزی را کاسته و در جهت پایداری حرکت می‌کنند (رحمانی فضلی، صادقی، و علیپوریان، ۱۳۹۴).

حکمروایی شهری ساختار جدیدی در فرایند مدیریت شهرها است که اشکال سنتی و متمرکز مدیریتی در شهرها را دگرگون می‌کند و مبانی نظری آن را به چالش می‌کشد (محمدتقی و مهناز، ۱۳۸۹). به طور خلاصه حکمروایی مشارکت پذیری حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی را می‌طلبد تا حل مسائل و مشکلات مناطق کلانشهری تسریع یابد. متغیرها و تعاریف حکمروایی خوب شهری در جدول ۱ به صورت خلاصه بیان شده‌اند:

جدول ۱: انواع حکمروایی خوب شهری

متغیر	تعاریف
مشارکت	بستری که در آن تمامی ذینفعان و ذی نفوذان با یکدیگر هماهنگی و مشارکت پذیری دارند.
پاسخگویی	بخش‌های دولتی و خصوصی در برابر مردم پاسخگو هستند.
اثربخشی	ثبات سیاسی و همچنین اعمال سیاست‌های مناسب و درست برای ارتقاء سطح عمومی جامعه، توسط دولت و بخش خصوصی با مشارکت شهروندان و نظارت دولت.
شفافیت	اقداماتی که به شهروندان اجازه دسترسی و آگاهی از اطلاعات و روند تصویب و فرایند سیاست‌ها.
عدالت	بهره مندی برابر تمامی شهروندان از امکانات و فرصت‌ها در جامعه.
مسئولیت‌پذیری	محوری بودن نقش تصمیم سازان شهری که پذیرفتن مسئولیت پذیری و برابری حقوق شهروندی از نمودهای آن می‌باشد.

منبع: (Salim & Hudalah, 2020; Zientara, Zamojska, & Cirella, 2020)

سیاست گذاری عمومی

سیاست گذاری عمومی معطوف به حکمروایی، نظام به هم پیوسته‌ای متشکل از حکومت و جامعه است. حکمروایی شهری نقش نهادهای مدنی را به عنوان مدافع حقوق شهروندی و تقویت کننده مشارکت مردمی برای اثرگذاری بر سیاست‌گذاری‌های عمومی نقش بخش خصوصی به عنوان عامل تولید در تقویت سرمایه‌گذاری‌ها و رشد تولید ناخالص ملی به منظور افزایش درآمد سرانه و پویایی اقتصاد و بازار و ایجاد رفاه نسبی و در نهایت نقش دولت به عنوان تسهیل کننده فعالیت‌های عمومی در فراهم سازی محیطی برای توسعه پایدار به منظور ایجاد ثبات و توسعه عدالت اجتماعی در جامعه را تسهیل می‌کند (Bevir, 2008).

اصول و مبانی عرصه سیاست گذاری عمومی در قلمرو شهری تجلی یافته در محتوای حکمروایی خوب شهری را می‌توان شیوه و فرایند اداره‌ی امور شهری با مشارکت و تعامل سازنده سه بخش دولتی، خصوصی و مدنی به منظور نیل به شهر سالم، باکیفیت و قابلیت زندگی بالا و توسعه پایدار شهری تعریف کرد (Taylor, 2004). از سوی دیگر باید متذکر شد، موضوع و دغدغه‌ی حکمروایی خوب شهری صرفاً مدیریت کارآمد نیست، بلکه دارای ابعاد سیاسی مرتبط با دموکراسی، حقوق بشر و مشارکت مدنی در فرایندهای تصمیم‌گیری است (McGrew & Held, 2002).

یکی از پایه‌گذاران سیاست‌گذاری، سه ویژگی برای این رشته بیان می‌کند؛ که عبارتند از چندرشته‌ای (میان‌رشته‌ای) مراد از چندرشته‌ای یا چندجانبه بودن سیاست‌گذاری، آن است که این علم باید خود را از قید و بند معادلات محدود نهادها و ساختارهای سیاسی رها کرده و به جای آن خود را به شاخه‌های دیگری همچون جامعه‌شناسی، حقوق، اقتصاد و روان‌شناسی پیوند زده و در معادلات خود به حوزه‌های مختلف علمی مراجعه نماید (Bergeron- Barrows & Barrows, 2017).

راه‌حلیابی، راه‌حلیاب بودن این علم، بدان معناست، که این علم با مسائل واقعی جهان پیوند داشته و صرفاً در حصارهای آکادمیک باقی نمی‌ماند؛ بلکه به عالم واقع جریان می‌یابد.

هنجاری و ارزشی، لاسول با هنجاری خواندن سیاست‌گذاری، برآن است که سیاست‌گذاری، نباید بر عینیت علمی پای فشارد؛ بلکه بایستی بپذیرد که جدا کردن اهداف از ابزارها و یا ارزش‌ها از تکنیک‌ها، در مطالعه فعالیت‌های دولتی امکان‌پذیر نیست (Forrest, 2008).

در کنار این سه ویژگی، می‌توان به مسئله‌محوری، کل‌نگری در عین جزءنگری، ثابت بودن از حیث چهارچوب‌ها و روش و متغیر بودن از حیث خروجی و پاسخی که به دنبال خواهد داشت، نیز اشاره کرد. روش در سیاست‌گذاری عمومی مبین سبک تحلیل، نحوه‌های استدلال و ایجاد ارتباط دوری میان موضوعات کلی و زمینه‌های خاص عینی است. همراه با روش، تحلیل‌گر سعی در ساده کردن عملکرد پیچیده‌ی دولتی و بررسی و تفسیر علمی آن می‌کند.

در حوزه سیاست‌گذاری عمومی، دو مدل "تحلیل استراتژیک" و "تحلیل مرحله‌ای (سکانسیل)"، چارچوب‌های مناسبی را در زمینه‌ی روش، پیش رو گذاشته‌اند (Forrest, 2008). پژوهش‌های مرتبط با موضوع تحقیق:

محمدنژاد و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل نقش حکمروایی شایسته در توسعه پایدار گردشگری مورد پژوهی: شهر تهران به این نتیجه رسیدند که ساختار مدیریت و حکمروایی گردشگری تهران پیشین متشکل از نهادهای عمومی، نهادهای حکومتی، و عناصر بخش خصوصی است که هر یک با توجه به اصول و ابعاد مدیریت و حکمروایی گردشگری، رسالت و وظایفی دارند. منوط به انسجام و وحدت و رویه خاصی میان تشکیلات گردشگری با مدیریت شهری ایجاد گردد تا نظام برنامه‌ریزی قابل قبولی برای گسترش گردشگری شهری به وجود آید (محمدنژاد، شمس پویا، قربانی سپهر، و لشگری، ۱۳۹۴). اجزاء شکوهی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان مطالعه تطبیقی شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در کلان شهرهای ایران به این نتیجه رسیدند کلان شهرهای ایران (تهران؛ مشهد، اصفهان، شیراز و...) هنوز با معیارهای حکمروایی خوب فاصله دارند (اجزاء شکوهی، رهنما، و گوهری قاسم پور، ۱۳۹۳). احدنژاد و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان نقش حکومت‌های محلی در حکمروایی خوب شهری در راستای تحقق توسعه پایدار به این نتیجه رسیدند که سطح حکمروایی خوب در ایران طبق داده‌های بانک جهانی از ۲۰۰۶ تا حالا نسبت کاهش داشته است. که لزوم اهمیت دادن به حکومت‌ها و نهادهای محلی به ویژه شوراهای حکمروایی خوب در جهت تحقق توسعه پایدار احساس می‌گردد (احدنژاد، موسوی، محمدی، و علیپور، ۱۳۹۲). معصومی‌راد (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان نقش حکمروایی خوب شهری بر کیفیت زندگی شهری به این نتیجه رسیدند که در طرح متروی تهران، برنامه‌ریزی برای مردم بوده است نه برنامه‌ریزی با مردم، زیرا که مردم در فرایند برنامه‌ریزی و اجرای طرح نقش خاصی نداشتند و تنها نظاره‌گر و استفاده‌کننده از نتایج طرح بوده‌اند) برنامه‌ریزی از بالا و دیوان سالارانه (رضوی زاده، ۱۳۹۵). آدینه‌وند و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان بررسی

عملکرد شهرداری در چهار چوب حکمرانی خوب شهری (نمونه مورد مطالعه: شهر بابلسر) به این نتیجه رسیدند شهر بابلسر در چند دهه اخیر پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در زمینه شهری کرده است که با توجه به نظر شهروندان، دلیل عمده آن شهردار جدیدی است که با پشتوانه شواری شهر و همکاری مردم توانسته است اثرگذاری خود را بر مدیریت شهر افزایش دهد و کیفیت شهر را تا حدود قابل قبولی بالا ببرد (آدینه وند، حاجی زاده، و قدمی، ۱۳۹۲). محمودیان و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان مدیریت و حکمروایی خوب شهری در شیرگاه به این نتیجه رسیدند که مردم در مدیریت شهری نقشی نداشته‌اند و فقط ناظر بوده‌اند و اصل حکمروایی خوب شهری رعایت نشده است (محمودیان و زکی پور، ۱۳۹۰). تقوایی و همکار (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکرد تحلیلی این نتیجه رسیدند رویکرد «حکمروایی خوب شهری» به عنوان اثر بخش‌ترین، کم-هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت پذیرفته شده است (علی اکبر و رسول، ۱۳۸۸). رهنما و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان تحلیل جایگاه حکمروایی خوب شهری در مشهد با الگوی SWOT به این نتیجه رسیدند که موقعیت حکمروایی در مشهد از میان چهار حالت تهاجمی، محافظه‌کارانه، تدافعی و رقابتی در بدترین ممکن وضعیت تدافعی قرار دارد (محمد رحیم، عزت الله، و روح الله، ۱۳۸۹).

محدوده مورد مطالعه

شهر اهواز، مرکز استان خوزستان است و با مساحت ۲۲۰ کیلومتر مربع دومین شهر وسیع ایران پس از تهران است. شهر اهواز از سمت شمال به شهرهای شیبان، ویس، ملاثانی، دزفول و شوش، از شرق به شهرستان رامهرمز، از غرب به شهر حمیدیه و دشت آزادگان و از سمت جنوب به شهرهای شادگان، بندر ماهشهر، خرمشهر و آبادان محدود می‌گردد. این شهر دارای هشت منطقه شهرداری است که هر یک دارای سه یا چهار ناحیه است. بر اساس آمار سال ۱۳۹۵ شهر اهواز دارای ۱۱۸۴۷۸۸ نفر جمعیت بوده است.

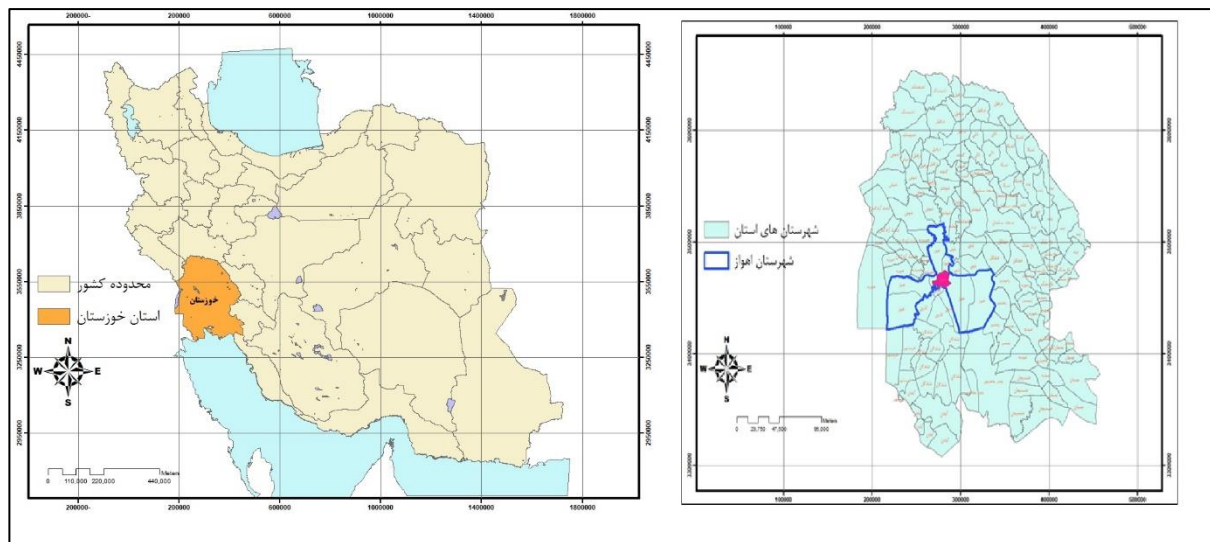
اهواز از کلان‌شهرهای ایران است، که در بخش مرکزی شهرستان اهواز قرار دارد و از سال ۱۳۰۳ تا کنون به‌عنوان مرکز استان خوزستان شناخته می‌شود. شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت ایران، شرکت ملی حفاری ایران بزرگ‌ترین شرکت حفاری کشور، شرکت فولاد خوزستان از تولیدکنندگان بزرگ فولاد خام کشور و برخی از بزرگترین کارخانه‌های مادر کشور از جمله شرکت گروه ملی فولاد ایران، شرکت لوله سازی اهواز، شرکت نورد و لوله اهواز، شرکت فولاد کاویان، شرکت لوله سازی خوزستان، شرکت سپنتا، شرکت راکتورساز، شرکت فولاد اکسین و... در اهواز قرار دارند. رودخانه کارون پرآب‌ترین رودخانه ایران، با سرچشمه گرفتن از کوه‌های بختیاری، با ورود به اهواز، این شهر را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می‌کند.

استان خوزستان از جهت شمال به استان لرستان، و از شمال شرقی به استان چهارمحال و بختیاری، از جنوب شرقی به استانهای کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر، و از جنوب به خلیج فارس، از غرب به کشور عراق و از شمال غربی به استان ایلام محدود می‌گردد. طول مرزی استان خوزستان با کشور عراق ۴۲۰ کیلومتر و با خلیج فارس ۲۱۰

کیلومتر است. شهر اهواز (مرکز استان) تقریباً در مرکز جغرافیایی استان واقع شده است و تا تهران ۸۷۴ کیلومتر فاصله دارد.

در بررسی سوابق تغییرات تقسیمات کشوری که ایران در سال ۱۲۸۵ ش به ۴ ایالت آذربایجان، کرمان و بلوچستان، فارس و بندر و خراسان و سیستان و ۱۲ ولایت استرآباد، مازندران، گیلان، زنجان، کردستان، لرستان، کرمانشاهان، همدان، اصفهان، یزد، عراق عجم و خوزستان تقسیم شده است.

استان خوزستان جزو ولایات دوازده گانه قرار گرفت و در قانون تقسیمات کشوری مصوب سال ۱۳۱۶ به عنوان استان ششم شامل شهرهای اهواز، خرمشهر، آبادان، دشت میشان، بهبهان، دزفول، بروجرد، خرم آباد و گلپایگان بود. در سال ۱۳۶۲ ش استان خوزستان شامل شهرستانهای آبادان، اندیمشک، اهواز، ایذه، بندر ماهشهر، بهبهان، خرمشهر، دزفول و دشت آزادگان (میشان)، رامهرمز، شادگان، شوشتر و مسجد سلیمان می شد و در حال حاضر طبق آخرین تقسیمات دارای ۱۸ شهرستان، ۴۲ بخش و ۱۱۹ دهستان می باشد.



شکل ۱- محدوده مورد مطالعه منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

یافته‌های پژوهش و تجزیه تحلیل

همان‌گونه که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است از مجموع نمونه آماری ۵۰ نفری، ۹ نفر دارای تحصیلات کارشناسی و پایین‌تر، ۲۳ نفر دارای تحصیلات کارشناسی ارشد، و ۱۵ نفر دارای تحصیلات دکترا می‌باشند. به عبارت دیگر می‌توان بیان کرد که اعضای نمونه آماری متشکل از ۱۸ درصد دارای تحصیلات کارشناسی، ۴۶ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و ۹۳۶ درصد دارای تحصیلات دکترا می‌باشند.

جدول ۲: وضعیت متغیر میزان تحصیلات در نمونه آماری

تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
کارشناسی و پایین‌تر	۹	۴۸,۰۳
کارشناسی ارشد	۲۳	۵,۱
دکترا	۱۵	۰,۹۶
مجموع	۵۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

در این پژوهش دو مؤلفه در قالب ۱۶ متغیر و دو مؤلفه منطقه گرایی و حکمروایی استفاده گردیده است. جدول شماره ۳ آمار توصیفی متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۳: آمار توصیفی متغیرها

کد	متغیر	میانگین
G1	هماهنگی	۴,۰۷
G2	همپایانی	۳,۷۱
G3	وحدت فرماندهی	۳,۵۹
G4	انسجام	۴,۰۲
G5	بسترسازی و ساختار	۲,۲۱
g6	تعامل	۳,۴۱
G7	اثر بخشی و کارآمدی	۳,۷۱
G8	مشارکت پذیری	۴,۲۵
R1	تشریک مساعی	۴,۱۶
R2	دیدگاه سیستمی	۴,۴۱
R3	شفافیت	۳,۸۲
R4	پاسخگویی	۴
R5	قانون مداری	۴,۰۸
R6	سرمایه اجتماعی	۳,۹
R7	خوانایی و توانایی نهادی	۳,۹۸
R8	ظرفیت و ترتیبات نهادی	۴,۱۵

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

جدول ۳ نشان می‌دهد که بیشترین میانگین مربوط به متغیر دیدگاه سیستمی است که میانگین این متغیر برابر با ۴,۴۱ و همچنین کمترین مقدار میانگین مربوط به بسترسازی و ساختار برابر با ۲,۲۱ است. نتیجه آزمون تفاوت میانگین نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین متغیرهای حکمروایی وجود دارد. همچنین با توجه به کران‌های اطمینان، سرمایه اجتماعی و ظرفیت نهادی دارای بیشترین تاثیر در حکمروایی مناطق کلانشهری اهواز دارد.

جدول ۴: آزمون متغیرهای حکمروایی در منطقه کلانشهری اهواز

متغیر	فاصله اطمینان		تفاوت میانگین‌ها	سطح معناداری
	کران پایین	کران بالا		
هماهنگی	-۰,۲۳۹	-۰,۷۵۵	۰,۰۰۳	-۰,۲۵۲
همپایانی	-۰,۱۴۸	۰,۹۷۸	۰,۰۰۱	-۰,۲۷۶
وحدت فرماندهی	-۰,۲۶۹	-۰,۲۷۵	۰,۰۰۲	-۰,۳۶۲
انسجام	۰,۱۸۶	۰,۲۶۹	۰,۰۰۱	-۰,۲۷۴
بسترسازی و ساختار	۰,۸۹۷	۰,۱۱۲	۰,۶۴	-۰,۰۸۹
تعامل	۰,۷۰۵	۰,۲۳۶	۰,۰۸۳	-۰,۰۴۹
اثر بخشی و کارآمدی	۰,۹۵	۰,۱۴۸	۰,۰۰۳	-۰,۱۵۹
مشارکت پذیری	۰,۱۱۷	۰,۷۴۹	۰,۰۶۴	-۰,۰۲۴
تشریک مساعی	۱,۰۵۲	۰,۳۹۰	۰,۰۷۵	-۰,۰۱۹
دیدگاه سیستمی	۰,۳۱۸	۰,۱۴۷	۰,۰۰۳	۰,۲۱۸
شفافیت	۰,۴۸۵	-۰,۷۱۹	۰,۰۸۳	۰,۰۹۲
پاسخگویی	۰,۲۰۶	۱,۰۹۳	۰,۰۷۵	۰,۰۰۹
قانون مداری	۰,۷۴۲	-۱,۰۵۹	۰,۰۷۸	۰,۲۸۵
سرمایه اجتماعی	۰,۲۵۸	-۱,۰۳۶	۰,۰۳۹	۰,۲۴۹
خوانایی و توانایی نهادی	۰,۲۳۱	-۱,۰۷۹	۰,۰۴۳	۰,۲۰۲
ظرفیت و ترتیبات نهادی	۰,۲۳۵	-۱,۰۴۵	۰,۰۸۸	۰,۲۳۶

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

برای تعیین متغیرهای مؤثر در حکمروایی و سیاستگذاری از تحلیل رگرسیون چند گانه مدل (Enter) استفاده شده است. جدول ۵ نشان می‌دهد، مقدار ضریب همبستگی برابر است با ۰,۶۷۹، اشاره به همبستگی ساده بین دو متغیر دارد و به عبارتی شدت همبستگی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. همان طور که از این مقدار (همبستگی بین دو متغیر) نمایان است، بین دو متغیر همبستگی شدید وجود دارد. همچنین مقدار ضریب تبیین بیانگر این است که متغیر حکمروایی ۴۶,۱ درصد از تغییرات متغیر بهره برداری مؤثر را تبیین کند.

جدول ۵: خلاصه‌ای از نمای کلی مدل رگرسیون چندگانه

رگرسیون	ضریب همبستگی	ضریب تبیین	ضریب تبیین تعدیل شده	سطح خطای معیار تبیین
مدل اینتر	۰,۶۷۹	۰,۴۶۱	۰,۴۶	۰,۴۹۱

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

جدول ۶ نشان می‌دهد که آیا مدل رگرسیون می‌تواند به طور معناداری و مناسبی تغییرات متغیر وابسته را پیش بینی کند. حال با توجه به سطح معنی داری چون مقدار سطح معنی داری کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد، بنابراین مدل رگرسیونی معنی دار است. (جدول شماره ۹).

جدول ۶: تحلیل واریانس رگرسیون به منظور قطعیت وجود رابطه بین متغیرها

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره f	معناداری
رگرسیون	۷۹,۰۰۶	۱	۷۹,۰۰۶		
باقیمانده	۹۲,۲۲۷	۲۹۹	۰,۲۴۱	۳۲۷,۲۳۹	۰,۰۰۱
کل	۱۷۱,۲۳۴	۳۰۰			

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

در مورد اهمیت و نقش متغیرها در پیش گویی معادله رگرسیون باید از مقادیر Beta استفاده کرد. بزرگ بودن مقدار Beta نشان دهنده اهمیت نسبی و نقش آن در پیشگویی مدل است. بنابراین از جدول ۷ می‌توان استنباط کرد که متغیرهای همپایانی، اثر بخشی و کارآمدی، مشارکت پذیری و ظرفیت و ترتیبات نهادی در مقایسه با سایر متغیرها در پیش گویی متغیر وابسته دارند.

جدول ۷: متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیون برای تبیین حکمروایی و سیاست گذاری

متغیرها	ضرایب غیراستاندارد B	خطای استاندارد	ضرایب استاندارد B	آماره T	سطح معناداری
هماهنگی	-۲,۵۶	۱,۴۱۵	-۰,۷۰	-۱,۴۵۲	۰,۱۵۲
همپایانی	۲,۷۸۵	۱,۵۵۲	۰,۰۹۲	۲,۱۳۶	۰,۰۲۳
وحدت فرماندهی	۱,۳۶۷	۱,۶۰۲	۰,۰۳۸	۰,۸۵۱	۰,۳۴۲
انسجام	۲,۲۳۱	۱,۸۴۵	۰,۱۰۳	۲,۲۵۶	۰,۰۱۴
بسترسازی و ساختار	۰,۸۵	۱,۶۵۸	۰,۰۲۸	۰,۱۲۰	۰,۵۴۷
تعامل	-۰,۴۷۵	۱,۷۴۸	-۰,۰۲۱	-۰,۵۵۲	۰,۴۰۲
اثر بخشی و کارآمدی	۲,۴۹۶	۱,۵۱۲	۰,۰۸۹	۲,۴۲۳	۰,۰۲۶
مشارکت پذیری	۶,۳۲۰	۱,۳۵۶	۰,۲۳۳	۵,۴۸۵	۰,۰۰۰
تشریک مساعی	-۰,۱۴۸	۱,۷۴۹	-۰,۰۰۶	-۰,۴۱۹	۰,۸۴۵
دیدگاه سیستمی	۳,۵۲۳	۱,۳۶۵	۰,۰۹۶	۱,۶۲۵	۰,۰۷۲
شفافیت	۰,۸۶۶	۰,۲۸۹	۰,۰۲۴	۰,۷۴۸	۰,۶۱۸
پاسخگویی	۱,۸۶۳	۱,۴۲۳	۰,۰۵۴	۰,۸۵۴	۰,۳۲۷
قانون مداری	۲,۴۸۶	۱,۳۶۵	۰,۰۷۳	۱,۳۷۸	۰,۱۴۹
سرمایه اجتماعی	۲,۹۳۱	۲,۰۲۳	۰,۰۷۱	۱,۴۸۵	۰,۱۶۸
خوانایی و توانایی نهادی	-۲,۲۰۳	۱,۴۱۵	-۰,۰۶۸	-۱,۳۴۵	۰,۱۷۳
ظرفیت و ترتیبات نهادی	۸,۱۵۶	۱,۸۵۴	۰,۲۱۰	۴,۴۸۶	۰,۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

نتیجه‌گیری و دستاوردهای علمی و پژوهشی

از آنجایی که حکمروایی در بیان ساده، فرآیندی از تصمیم‌سازی و روندی است که تصمیم‌ها در آن به اجرا در می‌آیند، می‌توان آن را به قدمت تمدن بشری بدانیم (مایکل نیومن، فرزین‌پاک، و سرایی، ۱۳۸۳). اگر چه کاربرد حکمروایی شهری از اواخر سال ۱۹۸۰ و از آفریقا آغاز گردید، اما براین مک لالین اولین نظریه پردازی است که در سال ۱۹۷۳ به این مفهوم پرداخته است (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸). او عقیده دارد تقاضای روز افزون مردم شهرها این است که حکومت شهری با نسبت به روند تغییر در شهرها پاسخ‌گو تر اقداماتش با مسائل شهری و تحول آن‌ها متناسب نسبت به اجتماع، مسئول تر به عنوان بخشی از نظام یادگیری بهتر عمل کند و سرانجام نقش مهم در پیش بینی، کشف و استقبال از آینده ایفا کند، جهت تحقق این تقاضاها ارتباط او ارتباط با نظام اجتماع را ضروری می‌داند و اقدامات حکمروایی را نوعی فرآیند می‌باشد که متضمن نظام بهم پیوسته‌ای است که هم حکومت و هم اجتماع را در بر می‌گیرد پس از او افراد دیگری چون مک کینلی و انکینسن نیز این بحث را مطرح کردند (زندیه، ۱۳۹۶).

در اواخر دهه ۱۹۸۰ پس از یک دهه سیاست‌های تعدیل اقتصادی ساختاریدر بسیای از کشورهای آفریقایی به این نتیجه رسید که حکمرانی یکی از مباحث مهم در راهبرد توسعه‌ای کشورها می‌باشد، که عملکردشان ضعیف می‌باشد بنابراین در مطالعات سال ۱۹۸۹ بتانک جهانی به این نتیجه رسید که حکمرانی شیوه مدیریت و اداره کشور و یا رابطه با شهروندان با حکومت کنندگان موضوع محوری توسعه می‌باشد لازم به ذکر است که در سال ۱۹۹۶ استانبول، شعار خود را فعالیت جهانی برای حکمروایی شهری خوب قرار داد و تاکید کرد که شهرها باید طبق حکمروایی شهری قدم بردارند (زندیه، ۱۳۹۶). در گزارش سالانه ۱۹۹۷ حکمرانی به عنوان موضوع اصلی سیاست‌گذاری‌های توسعه قرار گرفت و به طور کلی پس از آن مفهوم جدید حکمروایی خوب در سمینارها و همایش‌های متعددی مورد بررسی قرار گرفت، از سال ۲۰۰۰ با نک جهانی هر ساله گزارشی را در مورد میزان همکاری این بانک با کشورهای مختلف با عنوان اصلاح نهادهای عمومی و حکمرانی منتشر کرده است (صحرائی و محمودی نیا، ۱۳۹۷). بر پایه اصول و اهداف حاکم بر حکمروایی خوب شهری دولت‌ها به تنهایی قادر به پاسخ‌گویی نیازهای جدید نیستند و ضروری است با افزایش انعطاف و قابلیت‌های خود از طریق جذب نیروی‌های فعال در نهادهای عمومی و درگیر کردن شهروندان در مراحل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری به عنوان ذینفعان اصلی، توان پاسخگویی به نیازهای جدید را افزایش دهند (آرایی، قاسمی، و معینی فر، ۱۳۹۷). یکی از مسائل مهم در کلانشهرها و بخصوص کلانشهر او از وجود تفرق‌های مدیریتی و عدم هماهنگی بین‌هادی و درون نهادی می‌باشد. افزایش جمعیت دو درصدی کلانشهر اهواز طی ۱۰ سال اخیر این کلانشهرها به لحاظ ساختارهای مدیریتی، قانونی، نهادی، سیاستی دچار مشکلات عدیده‌ای کرده است که بسیاری از آنها قابل لمس هستند. از جمله عدم نظارت و مدیریت یکپارچه شهرداری اهواز و سازمان‌های تابعه آن، مشکلات عدیده‌ای در زمینه آب و هوا و محیط زیستی و همچنین عدم رعایت ساختارهای توسعه سرزمینی در شهرهای حومه اهواز همچون باوی، حمیدیه و کارون مشکلات مدیریتی و سیاست‌گذاری در این کلانشهرها را بیش از پیش مشکل کرده است.

به طور کلی این الگوی جدید از طریق بهره‌گیری از ظرفیت‌های جامعه در بخش‌های دولتی، خصوصی و مدنی و نیز با تقویت توان سازمانی، ارائه خدمات مطلوب را محقق خواهد کرد (مهدی و محمدرضا، ۱۳۹۱). در این محتوا نگاه به مقوله مدیریت شهری در لایه‌های سیاست‌گذاری عمومی و متمرکز بر رویکرد حکمروایی شهری مفهوم و نگاهی عمیق‌تر می‌یابد در این تعریف کل‌نگر، مدیریت شهری از مفهوم صرف اداره امور فراتر می‌رود و با ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پیوند می‌یابد و نقش فعال‌تری در توسعه شهری پیدا می‌کند (کاظمیان و میرعابدینی، ۱۳۹۰). در این نگرش، مدیریت شهری به صورتی یکپارچه مسئولیتی استراتژیک تلقی می‌شود که ضرورتاً با نتایج و پیامدهای عملیاتی نیز همراه است و به همین دلیل، تعامل فعال آن با حوزه‌های قدرت، سیاست، اجتماع و اقتصاد شهری اجتناب‌ناپذیر است (بابایی و ابراهیمی، ۱۳۹۵). لذا منظور از مدیریت شهری، ساختار یا ترتیبات سازمان ویژه‌ای برای اداره مناطق شهری است. حکمروایی منطقه‌ای و شهری را می‌توان با لزوم همکاری بخش‌های خصوصی و عمومی در مقیاس منطقه‌ای و در چارچوب اشکال متنوع شراکت اجتماعات محلی، حکومت و بخش‌های اقتصادی، توصیف کرد (محبوبی و حبیبی، ۱۳۹۸).

از دیگر سوی، شاکله کلیدی و اثربخشی مفهوم مدیریت شهری در سپهر سیاست‌گذاری عمومی معطوف به حکمروایی شهری نهادها می‌باشد (ابوالفضل، ۱۳۹۹). نهادها قوانین بازی در جامعه‌اند، یا به عبارتی سنجیده‌تر قیودی وضع‌شده از جانب نوع بشر که روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند. در نتیجه نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند چه این مبادلات سیاسی باشند، چه اقتصادی و چه اجتماعی. تغییرات نهادی مسیر تحول جوامع بشری در طول تاریخ را مشخص می‌کند و بنابراین کلید فهم تغییرات تاریخی محسوب می‌شوند. نهادها چارچوب‌هایی هستند که کنش متقابل انسان‌ها در درون آن‌ها تحقق می‌پذیرد. نهادها با در اختیار نهادن ساختارهایی برای زندگی روزمره، عدم اطمینان را کاهش می‌دهند؛ در واقع نقش عمده نهادها این است که از طریق بنیان نهادن ساختارهایی باثبات عدم اطمینان را کاهش می‌دهند (دانایی‌فرد، آذر، و ابراهیمی، ۱۳۹۲).

ورود نهادگرایی به مباحث توسعه محلی و منطقه‌ای از دهه ۱۹۹۰ شروع شده است. در رویکرد نهادگرایی مفاهیمی مانند سرمایه اجتماعی، اعتماد، شبکه‌ها، ساختار حقوقی و مقرراتی، هنجارها، اشکال سازمانی، ترتیبات نهادی، درجه رسمی بودن نهادها، ظرفیت نهادی و حکمروایی نقش مهمی در تدوین سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های توسعه به طور اعم و توسعه محلی به طور اخص دارند (خدر فرجی، غلامرضا، و عبدالرضا رکن‌الدین، ۱۳۹۲).

تحلیل‌های نهادی جدید جامعه را به عنوان نوعی بازی و نهادها را به عنوان قوانین و قواعدی که بازی را هدایت می‌کنند تعریف کرده‌اند (عباس رضوانی و اصغر، ۱۳۹۳). بنابراین نهادها مجموعه‌ای از قواعد و الگوهای رسمی و غیررسمی رفتار هستند که فعالیت‌های گروهی مشخص از افراد را تعریف می‌کنند. به همین ترتیب الگوهای درونی رفتار و شیوه‌های کار، ارزش‌های جمعی، دانش و ارتباطاتی که در درون گروهی سازماندهی شده در جامعه وجود دارد، می‌تواند سرمایه نهادی نامیده شود. سرمایه نهادی و سرمایه اجتماعی مفاهیمی ارزشی و هنجاری به شمار می‌آیند که همزمان به توانمندی و دارایی‌هایی اشاره دارند که افراد و گروه‌ها را به بسیج منابع و انجام اقدام معنی‌دار

قادر می‌سازند (محمدامیر، بهرام، فرشاد، و کاظم، ۱۳۹۴). سرمایه نهادی شامل منابع پایه انسانی و پولی ساختارهای موجود و مشغول کار و شبکه‌های درون حکومت (محلی) و همچنین گروه‌های ذینفع و افراد سازماندهی شده بیرون از حکومت است. این نوع از سرمایه می‌تواند ایجاد شود، گسترش بیشتری یابد و یا برچیده شود. سرمایه نهادی دارای ارزشی بالاتر و میزان کارآمدی بیشتری از هرگونه بخش منفرد-سازمان و یا فرد-درون آن است (کاظمیان، فرجی راد، رکن‌الدین افتخاری، و پورطاهری، ۱۳۹۲).

از منظر رویکرد توسعه درون‌زا نهادها (اعم از نهادهای رسمی همچون سازمان‌ها و نهادهای غیررسمی همچون شبکه‌ها) می‌توانند دارایی‌های بالقوه را بسیج کنند، ابداع را ارتقا دهند و ویژگی‌های طرف عرضه محلی را شکل دهند و به عنوان سیاستی برای پرورش منابع و دارایی‌های محلی (داخلی) جهت تضمین پایداری توسعه کاربرد داشته باشند (خدر فرجی، ۱۳۹۲). از منظر دیگر از ابعاد اصلی و موثر بر حکمروایی شهری تحولات نهادی در آن است به گونه‌ای که امکان تحقق حکمروایی خوب بستگی به ساختار نهادی، تغییر در نقش‌ها و روابط نهادی و منابع اقتصادی در دسترس برای تامین آن دارد و حکومت محلی نیز، نهاد کلیدی برای آغاز این تغییرات به شمار می‌آید (رهبر و حیدری، ۱۳۹۰). انباشت دانش تخصصی و تکیه بر دانش محلی، کلید توسعه عملکردی سرمایه اجتماعی و سرمایه نهادی هستند. مقامات محلی باید از طریق اجماع و مشاوره با شهروندان و سازمان‌های محلی از تجربه و دانش آن‌ها یاد بگیرند و آن را به کار برند. از طرف دیگر این رابطه دو طرفه و محاوره‌ای باید دانش و آگاهی مردم محلی را نیز از فرآیند پایداری ارتقا دهد. حکومت محلی نیز باید مشارکت و تعامل با دیگر سازمان‌ها را به منظور حمایت و ارتقا دانش و سرمایه پرورش دهد (حسن، ۱۳۸۸).

نقش آفرینی نهادها در فرآیند توسعه پایدار از مجرای حکمروایی صورت می‌پذیرد، به گونه‌ای که حکمروایی بستری برای نقش آفرینی نهادهاست و در چارچوب حکمروایی است که نهادهای مختلف قادر خواهند بود اثرگذاری مثبت خود را بر فرآیند توسعه برجای بگذارند (خدر فرجی، ۱۳۹۲).

در بسیاری از شهرهای دنیا مسئولیت و وظایف شهری به عهده یک سازمان و یک دستگاه مانند شهرداری قرار می‌گیرد اما در کشور ما به عهده دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف است و هر کدام وظیفه و مسئولیتی جداگانه دارند. مانند سازمان آب، برق، مخابرات، اداره فاضلاب، اداره محیط زیست، عمران شهری و... در واقع هر قسمت به صورت جزیره‌هایی جداگانه عمل می‌کنند که همین مسئله باعث به هدر رفتن منابع مالی، انسانی و طبیعی می‌شود. در مدیریت نوین شهری، حکمروایی و سیاست‌گذاری عمومی شفافیت، قانون‌مداری، سرمایه اجتماعی، خوانایی و توانایی نهادی در بهبود تفکر سیستمی و ارائه برنامه‌های استراتژیک در حوزه مدیریت کلانشهرها نقش کلیدی دارد و می‌توان امیدوار بود که با کمک و همراهی مردم و برنامه‌ریزی جامع و اقدامات هماهنگ مشکلات شهری حل و فصل شود و شهروندان با آرامش و آسایش بیشتری زندگی کنند. در تحقیق حاضر نتایج نشان می‌دهد حکمروایی به عنوان یکی از مولفه‌های اساسی در نهادهای دولت - سیاست‌ها به شمار می‌رود. حکمروایی و سیاست‌گذاری عمومی همانند عاملی کنترلی در مقابل تمایل بوروکرات‌ها برای حفاظت از منافع خود یا منافع خاص گروه‌هایی که

از راه‌های گوناگون، از جمله ناعدالتی، به دنبال دست‌اندازی ناحق بر منابع عمومی‌اند، عمل خواهد کرد. از مجموع مطالعات این برآمد حاصل می‌شود که: متغیرهای همپایانی، اثر بخشی و کارآمدی، مشارکت پذیری و ظرفیت و ترتیبات نهادی در مقایسه با سایر متغیرها در پیش‌گویی متغیر وابسته دارند.

منابع

- ابوالفضل، ق. (۱۳۹۹). حکمرانی خوب شهری به منزله مرجعیت سیاست‌گذاری شهری؛ تحلیل محتوای برنامه پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران. مجلس و راهبرد (مجلس و پژوهش)، (۱۰۱)، ۱۹۵-۲۲۱.
- اجزاء شکوهی، م.، رهنما، م.، گوهری قاسم پور، ن. (۱۳۹۳). مطالعه تطبیقی شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران Paper presented at the پنجمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی . https://www.civilica.com/Paper-URBANPLANING06-URBANPLANING06_061.html
- احدنژاد، م.، موسوی، م.، محمدی، س.، علیپور، س. (۱۳۹۲). نقش حکومت‌های محلی در حکمروایی خوب شهری در راستای تحقق توسعه پایدار . Paper presented at the پنجمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری- https://www.civilica.com/Paper-URBANPLANING05-URBANPLANING05_045.html
- آدینه‌وند، ع. ا.، حاجی زاده، م.، و قدمی، م. (۱۳۹۲). بررسی عملکرد شهرداری در چهارچوب حکمرانی خوب شهری (نمونه مورد مطالعه: شهر بابلسر). مدیریت شهری، ۱۱(۳۱).
- آرایی، و.، قاسمی، ا.، و معینی فر، ی. (۱۳۹۷). توصیه‌های سیاستی موانع تحقق‌پذیری حکمرانی خوب در اداره امور عمومی (مطالعه موردی: فرمانداری و شهرداری شهرستان مینودشت). مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۷(۲۵)، ۱۱۳-۱۳۳.
- بابایی، م.، و ابراهیمی، س. (۱۳۹۵). مطالعه و بررسی مولفه‌های مدیریت یکپارچه در شهر اصفهان. نشریه اقتصاد شهری، ۱(۱)، ۱۷-۳۶.
- تقوایی، ع. ا.، و تاجدار، ر. (۱۳۸۸). درآمدی بر حکمروایی خوب شهری - رویکردی تحلیلی. مدیریت شهری، ۷(۲۳).
- چاره‌جو، ف. (۱۳۹۹). تحلیل و ارزیابی رابطه حکمروایی خوب شهری و کیفیت زندگی (مورد: محلات شهر سنندج). فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای) ۱۰(۱-۲): ۱۷۱-۱۸۴.
- حسن، ف. (۱۳۸۸). مدیریت دانش و کارکردهای آن در سازمان‌ها. معرفت، ۱۳۷.
- خدر فرجی، ر.، غلامرضا، ک.، و عبدالرضا رکن‌الدین، ا. (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی سیاست‌های توسعه منطقه‌ای در ایران از دیدگاه رویکرد نهادی. فرآیند مدیریت و توسعه، ۲۶(۲)، ۲۷-۵۸.
- خسروی حاجی‌وند، (۱۳۹۹). تحلیل تأثیر عوامل محدودکننده و تسهیل‌کننده بر حکمروایی خوب شهری (مورد مطالعه: شهر جدید فولادشهر). فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای) ۱۰(۱-۲): ۲۶۹-۲۸۱.
- دانایی‌فرد، ح.، آذر، ع.، و ابراهیمی، س. ع. (۱۳۹۲). بررسی راهکارهای ارتقای قابلیت‌پذیری سیاسی، اجتماعی، اداری و فنی خط‌مشی‌های عمومی کشور با استفاده از رویکرد خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر شواهد. مدیریت سازمان‌های دولتی، ۳(۱)، ۱۷-۳۴.
- رحمانی‌فضلی، ع.، صادقی، م.، و علیپوریان، ج. (۱۳۹۴). بنیان‌های نظری حکمروایی خوب در فرایند مدیریت روستایی نوین. مدیریت شهری، ۱۴(۳۸)، ۴۳-۵۳.
- رضائی، م. (۱۳۹۹). ارزیابی و تحلیل مدیریت شهری بافت تاریخی کلان‌شهرهای ایران؛ با تأکید بر مدیریت یکپارچه شهری (مطالعه موردی: کلان‌شهر شیراز). فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای) ۱۰(۱-۲): ۲۹۷-۳۱۱.
- رضوی زاده، ا. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر حکمروایی خوب شهری بر کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر مرند) Paper presented at the سومین کنفرانس علمی پژوهشی افق‌های نوین در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی معماری و شهرسازی ایران . https://www.civilica.com/Paper-NICONF03-NICONF03_103.html
- رهبر، ع.، و حیدری، ف. (۱۳۹۰). تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقاء سیاست‌گذاری. مطالعات روابط بین‌الملل، ۴(۱۴)، ۲۱۹-۲۵۳.
- زندیه، ا. (۱۳۹۶). بررسی عملکرد شهرداری‌ها در چهارچوب رویکرد حکمروایی خوب شهری نمونه موردی: شهرداری شهر ملایر. آمایش محیط، ۱۰(۳۹)، ۵۹-۷۶.

- صحرايي، ع.، و محمودي نيا، ا. (۱۳۹۷). الگوی حکمرانی خوب: چارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی دولت‌هاشمی رفسنجانی (۱۳۶۸-۱۳۷۶).
- مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن)، ۸(۲۸)، ۲۰۷-۲۲۸.
- عباس رمضانی، ب.، و اصغر، م. (۱۳۹۳). تبیین نهادگرایی و گرایش آن به توسعه. مجله اقتصادی، ۱۳(۳)، ۱۲۱-۱۳۸.
- عزیزی، م. م.، ابویی اردکان، م.، و نوری، ن. (۱۳۹۰). نقش قوانین و مقررات در تحقق مدیریت یکپارچه در مجموعه شهری تهران. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۴(۶)، ۱۱۷-۱۲۸.
- علی اکبر، ت.، و رسول، ت. (۱۳۸۸). درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی. مدیریت شهری و روستایی، ۷(۲۳)، ۴۵-۵۸.
- کاظمیان، غ.، فرجی راد، خ.، رکن‌الدین افتخاری، ع.، و پورطاهری، م. (۱۳۹۲). رابطه ظرفیت نهادی و توسعه پایدار منطقه‌ای (مطالعه موردی: شهرستانهای بوکان و ارومیه). جغرافیا، ۱۱(۳۸)، ۱۵۳-۱۷۳.
- کاظمیان، غ.، و میرعابدینی، ز. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی مدیریت یکپارچه شهری در تهران از منظر سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۳(۴۶)، ۲۷-۳۸.
- مایکل نیومن، فرزین پاک، ش.، و سرایی، آ. (۱۳۸۳). برنامه ریزی و طراحی شهری: آیا برنامه ریزی نیازی به طرح دارد؟. مدیریت شهری، ۱۷(۵)، ۸۸-۹۷.
- مجید، ر. (۱۳۸۳). جایگاه نهاد دولت در عرصه اقتصاد. اقتصاد اسلامی، ۴(۱۴)، ۳۷-۶۲.
- محبوبی، س.، و حبیبی (۱۳۹۸). تبیین رابطه حکمروایی خوب شهری و رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری (مطالعه موردی: شهر دوگنبدان). مطالعات محیطی هفت حصار، ۳۰(۸)، ۴۷-۵۸.
- محل، ع. ف. (۱۳۹۱). بررسی تحلیلی پدیده جهانی شدن با تمرکز بر حوزه فرهنگ. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۲(۵)، ۶۳-۹۶.
- محمد نژاد، ع.، شمس پویا، م. ک.، قربانی سپهر، آ.، و لشگری، ع. ا. (۱۳۹۴). تحلیل نقش حکمروایی شایسته در توسعه پایدار گردشگری موردپژوهی: شهر تهران Paper presented at the
https://www.civilica.com/Paper-TNCF02-TNCF02_086.html
- محمدامیر، ر.، بهرام، س.، فرشاد، م.، و کاظم، ی. (۱۳۹۴). کاوشی در تعریف نهاد: ارزیابی رویکردهای متاخر بدیل در تعریف نهاد. برنامه ریزی و بودجه (برنامه و بودجه سابق)، ۲۰(۴)، ۱۸۵-۲۱۰.
- محمدتقی، ر.، و مهناز، ک. (۱۳۸۹). بررسی الگوی حکمروایی خوب و نقش دولت در مدیریت و اداره ی امور شهرها در ایران. پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۱(۱)، ۲۳-۵۵.
- محمدرحیم، ر.، عزت‌الله، م.، و روح‌الله، ا. (۱۳۸۹). تحلیل جایگاه حکمروایی خوب شهری در مشهد با الگوی SWOT جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۱۵.
- محمودیان، ز.، و زکی پور، خ. (۱۳۹۰). مدیریت و حکمروایی خوب شهری در شیرگاه Paper presented at the
https://www.civilica.com/Paper-IRANIANUTOPIA01-IRANIANUTOPIA01_044.html ایران
- مشکینی، ا.، و موذن، س. (۱۳۹۴). تحلیل حکمروایی مطلوب شهری در پایداری شهرها مطالعه موردی: شهر عجب شیر. آمایش محیط، ۸(۲۹)، ۸۹-۱۳۲.
- مهدی، م.، و محمدرضا، م. (۱۳۹۱). مفهوم سازی عوامل برون‌زا در تحول بخش دولتی (مطالعه موردی: ایران). فرآیند مدیریت و توسعه، ۲۵(۲)، ۵-۳۳.
- یزدانی زازانی، م. (۱۳۹۱). بررسی رابطه مفهومی و تأثیر حکمرانی بر سیاست‌گذاری عمومی. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۲(۴)، ۱۰۹-۱۴۲.
- Baldwin, R., Forslid, R., Martin, P., Ottaviano, G., & Robert-Nicoud, F. (2011). *Economic geography and public policy*: Princeton University Press.
- Bergeron-Barrows, S., & Barrows, D. (2017). *Globalization and Public Administration: A Conceptual Framework*. In *Public Sector Management in a Globalized World* (pp. 39-50): Springer.
- Bevir, M. (2008). *Key concepts in governance*: Sage.
- Dunn, W. N. (2015). *Public policy analysis*: Routledge.
- Dye, T., & DiNitto, D. (1983). *Social welfare: Politics and public policy*: Englewood Cliffs: Prentice-Hall.
- Forrest, R. (2008). *Globalization, governance and the housing market*. *Governance, globalization and public policy*, 173-197.
- Hill, M., & Varone, F. (2014). *The public policy process*: Routledge.

- Howlett, M., Ramesh, M., & Perl, A. (2009). *Studying public policy: Policy cycles and policy subsystems* (Vol. 3): Oxford University Press Oxford.
- John, P. (2013). *Analyzing public policy*: Routledge.
- Khaliji, M., Sarvar, R., & Zarabadi, Z. S. (2018). Analysis of the Types of Fragmentation and the Effectiveness of Achieving in Suburban Integrated Urban Management of Capital Iran. *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 13(2), 283-303.
- McGrew, A., & Held, D. (2002). *Governing globalization: power, authority and global governance*: Polity Press.
- Salim, W., & Hudalah, D. (2020). Urban governance challenges and reforms in Indonesia: towards a new Urban Agenda. In *New Urban Agenda in Asia-Pacific* (pp. 163-181): Springer.
- Taylor, A. L. (2004). Governing the globalization of public health. *The Journal of Law, Medicine & Ethics*, 32(3), 500-508.
- Zientara, P., Zamojska, A., & Cirella, G. T. (2020). Participatory urban governance: Multilevel study. *Plos one*, 15(2), e0229095.